

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۲۹ جنوری ۲۰۲۰

مرجان کمال

## برگشت به یادداشت های پراکنده

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

### قسمت نهم

ای سرخ گل، که باد ربودت ز باغ من

گفتی به باد خیره، چه بر باغبان گذشت؟



به ادامه گذشته:

«جیلبر ایتین (Gilbert Etienne) می نویسد: از عاید به دست آمده یک قسمت غله جات برای به دوران افتادن پول و برای تغذیه شهرها و حتی کابل در جریان می افتد. از طرف دیگر از این عایدات جهت پیشبرد تجارت، و خلق نمودن فابریکات صنعتی روی دست گرفته می شود. اولین کارخانه تولید و ذخیره پنبه در سال 1935 میلادی در قندوز و محیط اطراف آن ساخته شد.

پنج سال بعد ماشین های تصفیه نمودن بوره در بغلان به کار افتاد و به تعقیب آن فابریکه نساجی در پُل خمری شروع به کار کرد.

دو فابریکه دیگر در جنوب هندوکش در جبل السراج و گلبهار اعمار گردید.

در شروع پلان پنج ساله 1961 - 1956 میلادی، اولین کارخانه سمنت پل خمری فعال شد.»

پیشرفت، ترقی و رشد منطقه در طول سال های 1960 - 1950 میلادی ادامه یافت: تغییر شکل و تبدیل شدن با پدیدار شدن سرک های اسفالت شده و پخته و به وجود آمدن بازار های پر جنب و جوش به ولایات پل خمری، بغلان و قندوز چهره شهر های حقیقی را داد.

بعد از سال 1960 میلادی یک پروگرام مجادله علیه ملاریا از جانب سازمان جهانی صحت (OMS) (Organisation Mondiale de Santé) روی کار گرفته شد.

به دلیل امواج مختلف و متواتر مهاجرت ازبک ها و بیجا شدن آن ها، به صورت تدریجی تغییرات در محیط زیست سابقه پدیدار گردید. با روی کار گرفتن پروگرام های نو آوری دهات و قصبات، مانند دو پروگرام اساسی و مهم که عبارت از روی کار آمدن صنعت بافت تکه توسط فابریکه نساجی سپین زر، تولید و صادرات پنبه، روغن نباتی و صابون باعث گردید تا جهت ازدیاد بهره برداری مواد زراعتی مانند پنبه، نیشکر، لبلبو و خربوزه، ساختار های زیاد خلق گردد.

ارتباطات بین پشتون ها و اهالی منطقه ازبک ها و تاجک ها در سال های 1970 - 1960 میلادی یک اندازه متشنج به نظر می رسید، لکن این تنش مخصوصاً در رابطه بین مردم و والی زیادتر هویدا بود.

قرار اظهارات ادکم (L . W. Adamec)، در سال های 1970 - 1960 میلادی والی ولایت قندوز محل اقامت خود را در منطقه خان آباد انتخاب نمود «زیرا هر لحظه خطر یک عکس العمل از طرف اهالی می رفت».

جا به جا نمودن جمعیت جدید به صورت غیر منظم، در عدم موجودیت ساختار های واقعی از قبل آماده و همچنان این مستقر نمودن جمعیت بالای یک بنیاد قومی گذاشته شد.

جیلیر ایتین (Gilbert Etienne) در این مورد چنین می نگارد:

«اشغال نمودن زمین به صورت غیر منظم بود، در قیمت زمین تنوع زیاد وجود داشت، برای یکی، یک نمره زمین مجانی به دلیل خدماتش داده می شد، و مردم قریه از یک جمعیت غیر متجانس تشکیل شده بود:

تاجک ها، ازبک ها و ترکمن های اصیل مرو (Merv)، سمرقند و بخارا با هم نژادان بومی خود که اصیل منطقه بودند یکجا شدند.

قبیله پشتون به صورت ناهماهنگ و غیر متجانس، یک تعداد از مناطق خیبر، یک تعداد دیگر از جلال آباد، غزنی و قندهار در این جا مستقر ساخته شدند.

قسمی که در اکثر قریه جات ملاحظه می شود، گروپ های مختلف با هم مخلوط نمی شوند، فشار ها زیاد است، تقسیمات آب منصفانه نیست، خلاصه که قریه ها یک جمعیت متجانس را تشکیل نمی دهند».

قرار تعریف ادمک (Adamec): «ارتباطات بین ادارات دولتی محلی و مردم به قرار سلطه گری قومی صورت می گیرد».

عدم عملکرد درست ادارات دولتی به دلیل بی کفایتی و بی لیاقتی از یک طرف و از طرف دیگر موجودیت پدیده های مربوط به فساد، به ادارات شدیداً آسیب و صدمه رسید. به قرار ادمک در اخیر قرن نوزدهم میلادی فساد اداری توسط پدیده های رقابتی بین ساختار های نو پیدا با مستقر ساختن پشتون ها و ساختار های سیاسی از قبل موجود که به واسطه خان ها تشکیل شده بود، تبارز نمود.

این دو عملیه مشترکاً، وسعت یافتن ادارات جدید ولایتی غیر مؤثر به ضرر اقتدار محلی سابقه و عدم انتظام برای تطبیق نمودن پروگرام های انکشافی باعث پدیدار شدن یک شکل یا یک نوع غربت در دهات و قصبات گردید.

نوع ارتباط دولت - جامعه که با تطبیق پروگرام های انکشافی زراعتی ایجاد گردید، نتایج آن بالای موازنه اقتصادی - اجتماعی مناطق و محلات در سال های 1970 میلادی از نظر ساختاری یکسان و هم مانند بود با پروگرام های که در ولایات جنوب (قندهار و هلمند) در ولایت مرکزی (لهوگر) و در ولایت شرق (ننگرهار) تطبیق می شد.

در چنان شرایط یک زمینه بود که قوت های مسلح مختلف درگیری علیه اشغال شوروی تهداب اجتماعی خود را بنا نمودند.

ادامه دارد